

متن پرسش

عنوان: عرفان با سلام و تشکر. حدود ۵ سال است که بر اثر بیماری روی ویلچرم، دو سال پیش که دو دکتر رفته بودم و حال بسیار بدی داشتم، آقای دکتر سر صحبت را باز کرد. این دو سال برکات معنوی زیادی برایم داشته، احساس می‌کنم دوباره متولد شدم، دوباره اسلام آوردم، با خدا آشتی کردم. اما در کمال بهت و تعجب روزی دکتر گفت که لایک است، نماز نمی‌خواند، و خلاصه هیچی! اصلا قابل باور نبود. او تسلط زیادی به آیات و روایات، مثنوی و منابع عرفانی شرف و غرب داشت و باورش برایم سخت بود. گفت دیگه نمی‌تونه من را راهنمایی کنه و من به حد کافی رشد کردم که بقیه راه را بروم. چندی بعد به یکی از دوستانی که در همین مسیر آشنا شده بودم موضوع را گفتم، گفت بله دکتر بی دین است و چون شما با او هم افق نشدید دیگه نمی‌تونه با شما باشه! استاد، من با آشنایی با دکتر به کتاب های شما رسیدم و خدا را شاکرم که سطر به سطر کارهاتون نوره. ولی همش با خودم می‌گم می‌شه انسان به اهل بیت برسه با کسی که اهل بیت را فقط در حد انسانهای عارف قبول داره؟ کجای کارم می‌لنگه؟ حتی دکتر روزی گفت که تقلید از یک دین خاص یعنی زندگی به جای گوسفند! دکتر قدرت روحی زیادی داره، و این را بارها تجربه کردم. خیلی گیج و حیرانم نمی‌دانم در این دو سال فاتحه خودم را خواندم یا سالک شدم؟ * مورد دیگه که سوال داشتم، در حال مطالعه کتاب معادتون هستم، این که توضیح دادید که اکثرا فشار اولیه را دارند چون مثلا از بداخلاقی بدش میامده ولی نتونسته پاکش کنه، واقعا دچار وحشت شده ام، چون ان شاءالله بتوانیم پاک بشویم ولی اگر نشدیم باید منتظر فشار باشیم. و باور کنید در این پنج سال بیماری آنقدر درد کشیدم که دیگه فشار....** سوال دیگه: یکی از کتاب هایی که دکتر گفت بخوانم سرگذشت یک یوگی بود. در این کتاب فصلی درباره مرگ استاد یوگی و سپس ظاهر شدن او بر یوگی و خبر دادن از جایی است که رفته. اونجا دیگه خبری از نکیر و منکر و اهل بیت نیست. دکتر به من گفت اگر راه نجات فقط در تمسک به اهل بیت است پس بفرمایید همه جهنم، فقط شیعیان علی ع آن هم عده قلیلی متنعم. کجای این کار به خدای خیر محض می‌خوره؟ من چیزی نگفتم دست از اعتقاد هم برداشتم. هر چند شبهه در ذهنم ماند. **در فصلی از آن کتاب شاگرد یوگی می‌میرد و شش ماه بعد یوگی انرژی ورود او به دنیا را درک می‌کند و می‌گه او برای تکامل برگشته. می‌دانم که تناسخ باطله فقط بفرمایید این چه انرژی بوده؟ ببخشید که طولانی شد. پیشاپیش تشکر من را بپذیرید. التماس دعا

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: هرچند این موضوع نیاز به بحث مفصل دارد ۱. در این که این افراد در فضای اخلاقی زندگی می‌کنند، ولی عبودیت خود را رشد نمی‌دهند؛ مربوط به خودشان است و به مرور می‌رسند که یک جاهایی کم می‌آورند. زیرا انسان در ذات خود عین ربط به حق است و با عبودیت خدا این شخصیت به ظهور می‌آید. ۲. چه اشکال دارد در عین سیر مطالعاتی خود، رابطه‌تان محفوظ باشد و متذکر ضعف‌های بینشی ایشان بشوید. ۳. در مورد یوگی‌ها و تأثیری که بر طبیعت و جسم انسان‌ها دارد، یک بحث است و حضور در برزخ و قیامت و روبروشدن با فطرتی که در ایزای عبودیت می‌تواند از برکات قیامت بهره‌مند شود، بحث دیگری است. موفق باشید